

# مرزهای خانوادگی و امنیت پایه: ادراک مادر- نوجوان در مورد انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی بر مبنای رشد

آسیه شریعتمدار<sup>۱</sup>، آرزو امینی<sup>۲</sup>، فریناز عمادی<sup>۳</sup>

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

**هدف:** هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی ادراک مادر- نوجوان در مورد انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی بر مبنای رشد، از جهت تأثیر آن بر امنیت پایه‌ی خانواده بود. **روش:** این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارگرایی انجام شد. بدین منظور ۱۰ نفر از نوجوانان دختر ۱۵ تا ۱۷ ساله و مادران آن‌ها در بازه‌ی سنی ۳۷- ۵۵ سال به روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب و ادراکات هر دو گروه از مرزبندی‌های خانوادگی از طریق مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختار یافته مورد بررسی قرار گرفت. سپس داده‌ها طبقه‌بندی و کدگذاری شد و نتایج با استفاده از روش گزارش‌روایی بیان شدند. **یافته‌ها:** تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی سه مضمون اصلی انعطاف‌پذیری، عدم انعطاف‌پذیری و انعطاف‌پذیری بیش از حد مرزهای خانوادگی از دید مادر و نوجوان شد و از هر یک از سه مضمون اصلی فوق نیز به ترتیب ۱۴، ۵ و ۱۰ مضمون فرعی در مادر و ۳، ۵ و ۶ مضمون فرعی در نوجوانان به دست آمد. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان دهنده‌ی آن است که با توجه به بافت فرهنگی جامعه‌ی در حال گذار کشور ایران، هیچ‌یک از دو حالت عدم انعطاف‌پذیری و یا انعطاف‌پذیری بیش از حد نمی‌تواند منجر به ارضای نیازهای نوجوانان و حفاظت از امنیت پایه‌ی خانواده شود. از این جهت، آگاهی بخشی به مادر در خصوص چگونگی وضع مرزهای متعادل توسط مسئولان حوزه‌ی سلامت روان

۱. (نویسنده مسئول): دکتری تخصصی، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

s\_shariatmadar@yahoo.com

Arezoo.amini70@gmail.com

F.emadi@atu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ضروری به نظر می‌رسد. همچنین گفت وگو بر سر قوانین خانوادگی و توافق مادر بر سر حدود مرزها، عوامل پیشگیری کننده از مشکل در خانواده‌های با مرزبندی منعطف بود که نادیده گرفتن آن در خانواده‌های با مرز خشک و یا سهل گیر، موجب نارضایتی نوجوان و به خطر افتادن امنیت پایهی خانواده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** انعطاف‌پذیری مرزها؛ ادراک مادر - نوجوان؛ امنیت پایه.

## مقدمه

نوجوانی، از بین دوره‌های مختلف زندگی انسان از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین دوره‌ها محسوب می‌شود. این مرحله‌ی بینابینی، در گذر از کودکی به بزرگسالی، سرآغاز تحولات و دگرگونی‌های جسمی، روانی و اجتماعی بسیاری است (شاه حسینی و همکاران، ۱۳۹۱) و نوجوان بر اساس عوامل محیطی، رفتارهایی را برای ارضای نیازهای خود انتخاب می‌کند (حسینی، عرب مقدم، سروش و جمشیدی، ۱۳۹۰). از جمله مهم‌ترین نیازهای این دوره می‌توان به خودمختاری، اعتمادسازی، آزادی، نیاز به دریافت حمایت عاطفی از جانب مادر (میچو، موریتیدیس، ارسوی و اوگر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶؛ شاه حسینی و همکاران، ۱۳۹۱) و نیاز به امنیت (جا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶) اشاره نمود. از دیدگاه مزلو<sup>۳</sup> نیاز به امنیت<sup>۴</sup> پس از نیازهای فیزیولوژیک در سطح دوم نیازهای ضروری انسان قرار دارد که عدم برآورده شدن آن، منجر به انواع مشکلات روانشناختی می‌شود (به نقل از بن-اری و شیمون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴).

امنیت به عنوان نیاز روانی‌ای مطرح است که در آن فرد از ترس‌ها به دور است و خود را از آسیب‌های روانی و فیزیکی احتمالی در محیط اجتماعی و فیزیکی محفوظ می‌داند. مرکز پیشگیری از آسیب و کنترل انواع خشونت<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) نیز برآورده شدن این نیاز را بر فرآیندهای شناختی، عاطفی و فیزیکی در زندگی نوجوانان تأثیرگذار می‌داند و از آن به

1. Michou, A., Mouratidis, A., Ersoy, E., & Ugur, H.

2. Jha, C.

3. Maslow, A.

4. Safety

5. Ben-Arieh, A., & Shimon, E.

6. Center for injury prevention and control division of violence prevention

عنوان یک عامل حفاظتی در برابر عوامل استرس‌زای طبیعی یاد می‌کند که برای رشد ذهنی سالم و کیفیت زندگی نوجوانان ضروری است.

تحقیق بن - اری و شیمون (۲۰۱۴)، نشان داد که فرزندان، خانه را - در مقایسه با مدرسه و همسالان - به عنوان بیشترین جایی که می‌تواند به آن‌ها امنیت بدهد ادراک می‌کنند و اگرچه به دلیل ویژگی‌های تکاملی دوره‌ی نوجوانی، ارتباط فرد با خانواده کمتر می‌شود اما در نهایت، خانواده از طریق بستری که برای تکامل نوجوان فراهم می‌کند، تعیین‌کننده‌ی اصلی رشد و تکامل اوست (دالایی، عاشوری و حبیبی، ۱۳۹۴). در واقع، عوامل موجود در سیستم خانواده در بروز نیازها و چگونگی ارضای آن‌ها در دوره‌ی نوجوانی تأثیرگذار است و نوجوان بر اساس عوامل خانوادگی، روش‌هایی را برای ارضای نیازهای خود انتخاب می‌کند. یکی از این عوامل خانوادگی که بر رفتارهای فرد در دوره‌ی نوجوانی تأثیرگذار است، مفهوم مرزهاست<sup>۱</sup> (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰). این مفهوم به عنوان فاصله‌ی روانشناختی تعریف می‌شود که افراد و خرده‌نظام‌های خانواده را سازمان‌دهی کرده و از یکدیگر متمایز می‌کند و سطح تعاملات و درگیری‌های بین اعضای خانواده از طریق آن مشخص می‌شود (گلادینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲، ترجمه بهار و همکاران، ۱۳۹۰).

در خانواده درمانی ساختاری<sup>۳</sup> این نکته مورد تأکید است که همزمان با هریک از مراحل رشد، سیستم خانواده با فشارهایی جهت تغییر مرزها مواجه می‌شود و تغییر مرزها متناسب با نیازهای تحولی اعضا، برای حفظ تعادل خانواده ضروری است (گلدنبرگ و گلدنبرگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۹۴). دوره‌ی نوجوانی نیز یکی از مهم‌ترین دوره‌های تحولی است که در آن نوجوانان برای بازتعریف مرزهای خانودگی تلاش می‌کنند. در خانواده‌های با مرزهای سخت و انعطاف‌ناپذیر<sup>۵</sup>، عموماً این تلاش‌ها با

1. boundaries.

2. Gladding, S.T.

3. structural family therapy.

4. Goldenberg, I., & Goldenberg, H.

5. Inflexible boundaries.

پاسخ‌های انحراف ستیز مواجه می‌شود و ریسک بروز نشانه‌های بیماری در نوجوان استقلال طلب را افزایش می‌دهد (جا، ۲۰۱۶). در سوی دیگر طیف انعطاف‌پذیری، خانواده‌های با مرزهای بیش از حد منعطف قرار دارند که از این طریق، سبک مقابله‌ای اجتناب‌مدار را در فرزندان تقویت می‌کنند (بهادری، خیر و سامانی، ۱۳۹۰؛ حسینی، رضایی و محمدی روزبھانی، ۱۳۹۰). همچنین این خانواده‌ها، نوجوان را با مشکل عدم وضوح انتظارات مادرانی و سردرگمی مواجه می‌کنند. این در حالی است که نوجوان نیاز به درک شدن از جانب مادر و وضع مرزهای روشن و منطقی دارد (جا، ۲۰۱۶).

تحقیقات نشان داده‌اند که نظارت متعادل مادر در خانواده‌های با مرزهای منعطف<sup>۱</sup>، ریسک رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج در دوره‌ی نوجوانی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد (قویدل حیدری، ۱۳۸۴؛ سیدزه و دفو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳) و از بروز آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، رفتارهای بزهکارانه و ضد اجتماعی پیشگیری می‌کند (احمدی و خدادادی سنگده، ۱۳۹۴). همچنین احتمال بروز سایر رفتارهای پرخطر از قبیل مصرف سیگار، مشروبات الکلی (جا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶؛ لی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴)، مشکلات رفتاری درونی و بیرونی (براسل و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶) و قلدری در مدرسه (جا، ۲۰۱۶؛ بیرامی و علائی، ۱۳۹۱) در نوجوانان چنین خانواده‌هایی کمتر است. السون<sup>۶</sup> (۲۰۰۰)، این نوجوانان را دارای احساسات سالم‌تر، شادتر، موفق‌تر در مقابله با استرس و متکی به خود توصیف می‌کند. حسینی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهش خود رابطه‌ی منفی معناداری بین انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی و نیاز به احترام و شناخته شدن در نوجوانان گزارش کرده‌اند. این بدان معناست که در خانواده‌های با مرزهای انعطاف‌ناپذیر، نیاز به احترام و شناخته شدن در

1. flexible boundaries
2. Sidze, E. K., Defo, B.K.
3. Jha, c.
4. Li, h.k. ,& et al.
5. Brassell, A. A., & et al.
6. Olson, D. H.

نوجوانان برآورده نمی‌شود و عدم ارضای این نیاز، انواع مشکلات روانشناختی را به دنبال دارد که می‌توان به مواردی از قبیل اضطراب (بهداری وهمکاران، ۱۳۹۰)، عزت نفس مشروط (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰)، احساس حقارت، درماندگی، یأس، پرخاشگری، کم‌رویی، احساس ناامنی، احساس گناه و افسردگی (گلدنر، عبیرو ساکار<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶) اشاره کرد. پادیلواکر، بین و حسیه<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، در پژوهش خود چنین گزارش کردند که فرزندپروری سخت‌گیرانه و وضع مرزهای انعطاف‌ناپذیر از طریق تأثیر بر ویژگی‌های فردی نوجوان، ریسک ارتباط با همسالان منحرف را افزایش می‌دهد و ارتباط با همسالان منحرف نیز به طور قوی، پیش‌بینی‌کننده‌ی اعتیاد به اینترنت در نوجوان است (لی، گارلند و هوارد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴؛ وی ژانگ و ژنژوباو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). نتایج تحقیق گلدنر و همکاران (۲۰۱۶) نیز همبستگی بین از هم‌پاشیدگی مرزها و ترسیم بدتر خود در نقاشی‌های نوجوانان را تأیید کرده است. براساس نتایج، سیستم خانواده از طریق اشکال مختلف از هم‌پاشیدگی مرزها مانند کنترل روانی، القای احساس گناه و ابهامات روانی مرزها، احتمال رفتارهای نادرست در نوجوانان را افزایش می‌دهد که تبعات این روش نه تنها نوجوان، بلکه جامعه و سیستم خانواده را نیز درگیر خواهد کرد.

براساس آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان گفت، اگر خانواده متناسب با رشد نوجوانان، تغییرات متعادلی در مرزها ایجاد کند، نیاز روانی نوجوانان به امنیت - به عنوان دومین نیاز اساسی انسان - تأمین خواهد شد (گلدنر و همکاران، ۲۰۱۶؛ گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۵) و احتمال بروز رفتارهای ناسالم از جانب آن‌ها کاهش می‌یابد و براساس پژوهش‌های ذکر شده، در حالت معکوس نیز عدم انعطاف‌پذیری مرزها، ریسک رفتارهای ناسالم و پرخطر نوجوانان را افزایش می‌دهد که تبعات آن نه تنها نوجوان، بلکه

1. Goldner, L., Ayelet, A., & Sachar, S. C.
2. Padilla- Walker, L. M., Bean, R. A., & Hsieh, A. L.
3. Li, W., Garland, E. L., & Howard, M. O.
4. Wei zhang, J. Z., & Zhenzhou Bao, C. Y.

امنیت پایه‌ی<sup>۱</sup> خانواده را نیز تهدید می‌کند و تعادل آن را برهم می‌زند. بر این اساس، ضرورت بررسی جامع مرزبندی‌های خانوادگی از جهت تأثیر بسزایی که بر امنیت پایه‌ی خانواده دارد، کاملاً واضح است.

علیرغم اهمیت این موضوع، تحقیقات انجام شده در این حیثه، غالباً در سطحی خرد به بررسی اثرات مرزبندی‌های خانوادگی بر مشکلات نوجوانان پرداخته اند و اهمیت مفهوم مرزبندی از جهت تأثیری که در سطح کلان بر امنیت پایه‌ی خانواده - به عنوان مهم‌ترین نظام در طول زندگی بشر- دارد، مورد غفلت قرار گرفته است. همچنین پژوهش‌های انجام شده غالباً به صورت کمی و در یکی از دو گروه مادر- نوجوان صورت گرفته اند که طبیعتاً قادر به بررسی ادراک طرف مقابل نمی‌باشند و از این جهت تبیینی خطی محسوب می‌شود. این در حالی است که پدیده‌های موجود در سیستم خانواده، از علیت خطی پیروی نمی‌کنند و لازم است تا ادراک مادر- نوجوان به صورت همزمان مورد بررسی قرارگیرد تا بتوان تبیینی حلقوی و سیستماتیک از مفهوم انعطاف‌پذیری مرزها و اثرات آن بر امنیت پایه‌ی خانواده ارائه کرد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی ادراکات مادر- نوجوان در مورد انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی، از جهت تأثیر آن بر امنیت پایه‌ی خانواده، با استفاده از رویکردی کیفی است.

## روش

باتوجه به اینکه در تحقیق حاضر، محقق به دنبال دستیابی به فهمی عمیق تر و سیستماتیک از مرزبندی‌های خانوادگی است، روش اجرای این پژوهش به صورت کیفی<sup>۲</sup> و از نوع پدیدارگرایی<sup>۳</sup> است. منطق استفاده از این روش به این صورت است که ماهیت اکتشافی و استقرایی آن به دنبال فهم دنیای پدیداری شرکت کنندگان است و

1. basic safety  
2. qualitative  
3. phenomenology

رسالت اصلی آن درک عمیق و جامع الگوهای پدیدارها می‌باشد. باتوجه به این مسأله، استفاده از این رویکرد در مواردی مطرح است که محقق به دنبال کشف عرصه‌ای است که اطلاعاتی در مورد آن وجود ندارد و یا علی‌رغم وجود اطلاعات زیاد، فهم جدیدی از پدیده‌ها مدنظر است (پرویزی و احمدی، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر نیز دست‌یابی به فهم جدید و عمیقی از پدیده‌ی مرزبندی‌های خانوادگی در طول رشد، علت اصلی استفاده از رویکرد کیفی به شیوه‌ی پدیدارشناسانه می‌باشد که در بیشتر موارد مسلم پنداشته شده و علی‌رغم اهمیت نقش تفاوت‌های ادراکی مادر- فرزند- به ویژه در سن نوجوانی- بررسی آن، مورد غفلت قرار گرفته است. در این پژوهش، جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختار یافته استفاده شد. به این صورت که تعدادی سؤال باز پاسخ، در مورد موضوع تحقیق تهیه و پس از پاسخ آزمودنی‌ها، برای رفع ابهامات، سؤالاتی اضافه بر سؤالات اصلی نیز پرسیده شد. در طراحی این سوالات، علاوه بر توجه به ماهیت پدیداری پرسش‌ها، که روح مشترک حاکم بر تمامی پژوهش‌های کیفی است، سؤالاتی در ارتباط با احساسات، تفکرات، تداعی‌ها و تغییرات شناختی آزمودنی‌ها با در نظر گرفتن دو بُعد زمان و مکان نیز طراحی شد که توجه به آن، به عنوان وجه افتراق روش پدیدارشناسانه از سایر روش‌های کیفی، امری ضروری است. از جمله سوالات طراحی شده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: گروه مادر: (قوانین را در سنین مختلف فرزندان‌تان چگونه تنظیم می‌کنید؟ هم‌زمان با بزرگتر شدن آن‌ها چه احساسی نسبت به قوانین داشتید؟ قانون‌هایی که قبلاً اجرای آن‌ها را لازم می‌دانستید چه مواردی بوده است؟ آیا اخیراً در این قوانین تغییراتی ایجاد کرده‌اید؟ در مورد این تغییرات چه احساسی دارید؟ فکر می‌کنید چه عواملی باعث شده است تا این قوانین را برای زندگی خودتان در نظر بگیرید و یا آن‌ها را تغییر دهید؟ آیا در مورد اینکه معیار درست بودن قانون‌ها چیست با یکدیگر توافق داشته‌اید؟ اگر این توافق وجود نداشت، چه اتفاقی می‌افتاد؟) و گروه نوجوان: (قبلاً چه قوانینی در خانه‌ی شما وجود داشت که لازم بود

رعایت شان کنی؟ نسبت به آن‌ها چه احساسی داشتی؟ آیا از نظر خودت قوانین خوبی بودند؟ آیا اخیراً این قوانین تغییری کرده اند و این تغییر با خواست چه کسی بوده است؟ احساست نسبت به تغییر قوانین قبلی چیست؟ آیا در مورد دلیل وجود داشتن یک قانون، مثل مادرت فکر می‌کنی؟ اگر دیدگاهی متفاوت داشته باشی چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا در مورد قوانین زندگی آینده ات تصمیمی گرفته ای؟ چه عواملی در تصمیمت نقش داشته است؟)

پس از طراحی سوالات و اجرای مصاحبه، پاسخ‌ها ثبت و مفاهیم موجود، استخراج و دسته‌بندی شدند. لازم به ذکر است که این نوع مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته به دلیل ویژگی انعطاف‌پذیری و عمیق بودن، مناسب پژوهش‌های کیفی است و مدت زمان آن از سی تا چهل دقیقه به طول انجامید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و گزارش نتایج نیز از روش روایتی<sup>۱</sup> استفاده شد. نحوه‌ی دست‌یابی به تم‌های اصلی و فرعی تحقیق به این صورت بود که پس از جلب رضایت آگاهانه‌ی شرکت‌کنندگان، کلیه‌ی مصاحبه‌ها ضبط شده و پس از پیاده شدن بر روی کاغذ، انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت نوعی سنخ‌شناسی از ادراکات مادر-نوجوان در مورد انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی ارائه شد. در ادامه به منظور بررسی صحت و قابلیت اعتبار داده‌ها، هر مصاحبه پس از تحلیل، به همراه شرکت‌کننده مورد بررسی قرار گرفت تا صحت و سقم اطلاعات، تأیید و تغییرات لازم اعمال شود و از این طریق امکان تأثیرپیش‌فرض‌های قبلی پژوهشگران در استخراج مضامین به حداقل برسد. به منظور بررسی دقیق‌تر تم‌های استخراج شده، روش بازنگری ناظران در قالب استفاده از نظرات تکمیلی همکاران نیز مورد استفاده قرار گرفت و مجموع سه روش مذکور، قابلیت اعتبار تم‌های استخراج شده را تأیید نمودند. همچنین در راستای توجه به اتکاپذیری داده‌ها، نکاتی از قبیل دقیق بودن در تمام مراحل پژوهش، روشن بودن روش پژوهش، درگیری و بررسی مداوم، حسن سلوک و ارتباط مناسب با مصاحبه‌شوندگان مورد توجه



قرار گرفت.

با توجه به اصل اشباع اطلاعاتی<sup>۱</sup> در پژوهش کیفی، نمونه‌ی پژوهش دربرگیرنده‌ی ۱۰ نفر از نوجوانان دختر در بازه‌ی سنی ۱۵ تا ۱۷ سال و مادران آن‌ها در بازه‌ی سنی ۳۷ تا ۵۵ سال بود که از جامعه‌ی نوجوانان دوره‌ی متوسطه‌ی دوم شهر تهران و مادرانشان به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. علاوه بر شرایط سنی، در خصوص ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه، لازم به ذکر است که نمونه‌ی دختران نوجوان، در حال تحصیل در مقطع متوسطه‌ی دوم (پایه‌ی دهم: ۳ نفر؛ پایه‌ی یازدهم: ۳ نفر و پایه‌ی دوازدهم: ۴ نفر)، در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بوده و تحصیلات مادران آن‌ها از سطح دیپلم تادکتری متغیر بود (دیپلم: ۳ نفر؛ فوق دیپلم: ۱ نفر؛ لیسانس: ۲ نفر؛ فوق لیسانس: ۲ نفر و دکتری: ۲ نفر). با توجه به انجام مصاحبه‌ها در زمان رسمی فعالیت آموزشگاه و عدم دسترسی به پدران در این ساعات، از نمونه‌ی مادران جهت مصاحبه استفاده شد و اصول اخلاقی مربوط به کسب رضایت آگاهانه، حفظ گم‌نامی، محرمانه بودن اطلاعات، حق کناره‌گیری در زمان دلخواه و در اختیار گذاشتن نتایج پژوهش در صورت درخواست شرکت‌کنندگان در همه‌ی مصاحبه‌ها مدنظر قرار گرفت. همچنین تمایل به شرکت در مصاحبه، در قید حیات بودن مادر و حضور مادر در خانواده به عنوان ملاک‌های ورود و عدم تمایل به ادامه‌ی مصاحبه یا منصرف شدن از ارایه‌ی اطلاعات به عنوان ملاک‌های خروج از پژوهش در نظر گرفته شد.

## یافته‌ها

براساس یافته‌های پژوهش، تم‌های اصلی و فرعی به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها در جدول شماره ۱ ارائه شده است که در ادامه به توضیح مبسوط آن‌ها پرداخته خواهد شد.

1. data saturation

جدول شماره ۱. تم‌های اصلی و فرعی استخراج شده در گروه مادر و گروه نوجوان.

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی گروه مادر	تم‌های فرعی گروه نوجوان
(۱) انعطاف‌پذیری مرزها	(۱) تصمیم‌گیری مشترک، (۲) گفت‌وگو بر سر قوانین خانوادگی، (۳) توافق مادر بر سر حدود مرزها، (۴) تغییر در حدود استقلال، (۵) اجازه‌ی تجربه‌ی شکست، (۶) قائل شدن استقلال برای فرزند، (۷) همسویی مرزها با بلوغ شناختی / هیجانی، (۸) بلوغ اجتماعی، (۹) عدم اصرار بر روش‌های قبلی، (۱۰) افزایش محدودیت متناسب با دوره‌ی بلوغ، (۱۱) پیشگیری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر، (۱۲) ایجاد محدودیت متناسب با موقعیت، (۱۳) تغییر مرزها با نگاه پیشگیرانه و (۱۴) تغییر مرزها همسوبا ایجاد اعتماد.	(۱) پذیرش محدودیت‌های معقول متناسب با بلوغ شناختی، (۲) پذیرش محدودیت‌های معقول متناسب با هنجارهای دینی و (۳) پذیرش محدودیت‌های معقول متناسب با هنجارهای اجتماعی.
(۲) عدم انعطاف‌پذیری مرزها	(۱) عدم گفت‌وگو بر سر قوانین خانوادگی، (۲) عدم قائل شدن استقلال برای فرزند، (۳) اصرار بر روش‌های قبلی، (۴) استفاده از روش‌های نادرست پیشگیری از آسیب و (۵) عدم توافق مادر بر سر حدود مرزها.	(۱) عدم حمایت عاطفی، (۲) تظاهر به پذیرش محدودیت‌ها برای پیشگیری از ایجاد تنش، (۳) سعی در دور زدن محدودیت‌های نامعقول، (۴) تغییر قوانین از سرناوانی پس از شکست و (۵) ابهام در مورد لزوم وجود این قوانین.
(۳) انعطاف‌پذیری بیش از حد مرزها	(۱) اعتماد افراطی.	(۱) عدم ثبات قوانین، (۲) عدم حمایت عاطفی، (۳) عدم توافق مادر بر سر حدود مرزها، (۴) استقلال خواهی بیش از حد، (۵) ابهام در مورد انتظارات مادران و (۶) سعی در کشف انتظارات آن‌ها.

## ۱. انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی

بر اساس پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، تصمیم‌گیری مشترک یکی از زیرمضمون‌های این مضمون اصلی می‌باشد که در خانواده‌های دارای مرزهای انعطاف‌پذیر وجود دارد و نوجوانان و مادرانشان به آن اشاره کرده‌اند. "هیچ وقت سرکش و خودرأی نبوده. به نظرای ما احترام می‌ذاره. یادش دادم با مشورت خانواده تصمیم نهایی رو خودش بگیره" (مادر، دیپلم، ۴۲ ساله). "تا خودم نخوام خانواده به انجام کاری مجبورم نمی‌کنن و در نهایت با هم تصمیم می‌گیریم" (نوجوان ۱۵ ساله). یکی دیگر از مضامین فرعی گفت و گو بر سر قوانین خانوادگی است که از تجارب خانواده‌های با مرزهای منعطف استخراج شده است. "اگر پری گاهی هم اشتباهی بکنه، با جدیت مخالفت خودموبهش می‌گم و دلیل منطقی شو براش توضیح می‌دم، اونم نظرشو بهم می‌گه" (مادر، لیسانس، ۴۴ ساله). همچنین توافق مادر بر سر حدود مرزها، سومین مضمون مشترک در خانواده‌های منعطف است. "الان دیگه مریم میدونه که حرف من و باباش همیشه با هم یکیه چون اگه قرار باشه من یه چیزی بگم و باباش یه چیز دیگه که سنگ رو سنگ بند نمی‌شه و بچه‌ها هم ازما حساب نمی‌برن". مضمون فرعی چهارم، تغییر در حدود استقلال است که هر دو گروه مادر و نوجوان به آن اشاره کرده‌اند. "تا سال قبل، بابام منوبه همه‌ی کلاس می‌برد و خودم اجازه نداشتم برم ولی الان به همراه دوستم می‌تونم بعضی جاها رو برم" (نوجوان، ۱۵ ساله). "الان می‌تونه خونه‌ی دوتا از دوستاش که کاملاً باهاشون آشنا هستیم بره و از شبکه‌های اجتماعی با رعایت قوانین خاص خودش استفاده کنه در حالی که قبلا این اجازه رو نداشتم" (مادر، دکتری، ۴۶ ساله). اجازه‌ی تجربه‌ی شکست، پنجمین زیرمضمون انعطاف‌پذیری است که شرکت‌کنندگان مطرح کردند. "ساعاتی که ایشون به تکالیف مدرسه می‌رسیدن قبلاً خیلی تحت نظر من و پدرشون بود اما حالا جا داره حتی اگه امتحانی رو خراب کرد خودش به نتایجی در مورد زمان اختصاص داده شده به هر درس برسه" (مادر، دکتری، ۴۶ ساله). قائل شدن استقلال برای فرزند نیز به عنوان ششمین زیرمضمون انعطاف‌پذیری مطرح شده است. "در مورد انتخاب رشته‌م گذاشتن به

عهدمی خودم و هر چیزی رو که دوس داشته باشم می‌تونم انتخاب کنم" (نوجوان، ۱۷ساله). "الان نسبت به قبل، توی تصمیم‌گیری آزاده، مثلاً برای انتخاب شغل، بیرون رفتن و لباس پوشیدن" (مادر، لیسانس، ۴۰ساله). زیرمضمون بعدی بیان شده توسط مادران خانواده‌های انعطاف‌پذیر، همسویی مرزها با انواع مختلف بلوغ شناختی / هیجانی و اجتماعی است. "بچه‌ها به مرور زمان پخته ترمی‌شن و می‌تونن خوب و بد خودشونو تشخیص بدن و می‌شه آزادترشون گذاشت" (مادر، دیپلم، ۵۰ساله). "شعور اجتماعی مستلزم گذر زمان و برخوردهای مختلف اجتماعی هست و مطمئناً بچه اینا رو کم کم به دست میاره و آزادی هم باید کم کم داده بشه" (مادر، دکتری، ۵۵ساله). "عدم اصرار بر روش‌های قبلی" در مورد کافی شاپ رفتن قبلاً این اجازه رو نمی‌دادم ولی وقتی رفتم و دیدم جای خوبییه از اون به بعد این اجازه رو بهش دادم" (مادر، فوق لیسانس، ۳۷ساله) و تغییر مرزها با نگاه پیشگیرانه "علت محدودیت‌ها، ترس خودم از محیط بیرون و این بوده که فرزندم آسیبی نبینه که قابل جبران نباشه" (مادر، فوق لیسانس، ۳۷ساله) نیز از جمله زیرمضمون‌هایی بود که به کرات به آن اشاره شد. محدودیت‌های معقول نیز آخرین زیرمضمون انعطاف‌پذیری است که از جانب مادران مطرح شده است. "قطعاً اشتباهات بزرگ با محدودیت‌های معقول قابل پیشگیری هستن" (مادر، لیسانس، ۴۴ساله). این مضمون دربرگیرنده‌ی مضامین فرعی افزایش محدودیت متناسب با دوره‌ی بلوغ "قبلاً برای بازی با پسر بچه‌های فامیل محدودیتی نداشت ولی الان دوستاش مشخصن و نمی‌تونه با پسرا هر نوع بازی و ارتباطی داشته باشه" (مادر، دیپلم، ۵۰ساله)، پیشگیری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر "توی این سن غلیان احساسات جنسی بچه‌ها می‌تونه منجر به ایجاد آسیب‌های غیر قابل جبرانی براشون بشه و باید با محدودیت‌های عاقلانه‌ای از این تبعات پیشگیری کرد" (مادر، دکتری، ۵۵ساله)، ایجاد محدودیت متناسب با سطح رشدی "تماشای فیلما و عضو شدن در شبکه‌های اجتماعی‌ای که مناسب سنش نیست ممنوعه" و محدودیت‌های متناسب با

موقعیت می‌باشد. " در این مورد که نازنین از موبایل استفاده‌ی درست می‌کنه، مطمئنم ولی گوشیشو ازش گرفتم که وسوسه نشه و امسال درسشوبخونه. چون شرایط، خیلی حساسه وکنکور داره " (مادر، لیسانس، ۴۰ ساله).

در زیر مضمون محدودیت‌های معقول، نوجوانان نیز ادراکات خود در زمینه‌ی این محدودیت‌ها را در قالب مضمون‌های فرعی پذیرش محدودیت‌های معقول متناسب با بلوغ شناختی و هنجارهای دینی و اجتماعی شان بیان کردند. " الان از آزادیم خیلی درست تر استفاده می‌کنم، شاید اگه توسن کمترین آزادی رو داشتم طرز تفکر من مثه الان نبود و می‌تونست عواقب بدی برام داشته باشه " (نوجوان، ۱۷ ساله). " متناسب با جامعه‌ی اسلامی من موظفم حجابم رو رعایت کنم و شال سرم کنم " (نوجوان، ۱۷ ساله). " بابام اصرار داشت که چون بزرگ شدم و بدنم برجسته شده بهتره لباس خیلی تنگ نپوشم و چون این جور لباس پوشیدن جلف و زننده ست و جامعه بهش دید بدی داره فهمیدم که بهتره رعایتش کنم " (نوجوان، ۱۶ ساله).

## ۲. عدم انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی

تحلیل تجارب افراد شرکت کننده نشان می‌دهد که عدم انعطاف‌پذیری در مرزهای خانوادگی، دومین مضمون اصلی است. در این زمینه شرکت کنندگان پژوهش، تجاربی را عنوان کردند که بر اساس آن‌ها زیرمضمون‌های انعطاف‌ناپذیری مرزها به شکل زیر مشخص شده است: (۱) عدم گفت وگو بر سر قوانین خانوادگی " کلاً تو خانواده‌ی ما حرف آخرو معمولاً بابای پری می‌زنه و کسی برخلافش عمل نمی‌کنه " (مادر، دیپلم، ۵۰ ساله). (۲) عدم قائل شدن استقلال برای فرزند " حق نداشت حتی برای تماشای بازی بچه‌ها از در خونه تنهایی بیرون بره " (مادر، دیپلم، ۴۷ ساله). (۳) اصرار بر روش‌های قبلی " در مورد رفتن به خونه‌ی دوستاش اصلاً اجازه نداشت بره، البته الانم این اجازه رو نداره چون کلاً باباش روی رفت وآمدش خیلی حساسه حتی رابطه با فامیلارو خیلی نمی‌پسنده " (مادر، دیپلم، ۴۷ ساله). (۴) استفاده از روش‌های نادرست پیشگیری از آسیب " باباش میگه اگه

اون ور دنیا هم بره من بهش اعتماد دارم ولی لازم نیست توروی خودش بهش بگم" (مادر، دیپلم، ۵ ساله)، ۵) عدم حمایت عاطفی "وقتی الکی میگم حالم بده یا چیزیم شده همه بیشتر بهم توجه می‌کنن ولی آگه چیزی م نباشه از این خبرا نیست و همه دنبال کارای خودشون" (نوجوان، ۱۶ ساله) و ۶) عدم توافق مادر بر سر حدود مرزها "من به زهرا می‌گم که آگه با من باشه دوس دارم اصلاً محدودش نکنم و برای خودش راحت باشه ولی باباش اینجوری فکر نمی‌کنه و کار خودش می‌کنه" (مادر، فوق لیسانس، ۳۹ ساله).

در این مضمون اصلی، علاوه بر مضامین استخراج شده از ادراکات مادر که در بالا ذکر شد، تجارب بیان شده توسط نوجوانان نیز ۴ زیرمضمون زیررا شکل داده است: ۱) تظاهر به پذیرش محدودیت‌ها برای پیشگیری از ایجاد تنش "زهرا از محدودیت‌های زیادی که باباش می‌ذاره، واقعا ناراحته ولی چون می‌دونه باباش عصبی می‌شه معمولاً رعایت می‌کنه. یعنی اگر بره بعدش حتما دعواست" (مادر، فوق دیپلم، ۴۳ ساله). ۲) سعی در دور زدن محدودیت‌های نامعقول "یه مدت خانواده م گوشیموازم گرفتن ولی من همیشه تلاش می‌کردم تا جاشوپیدا کنم. حتی وقتی جای گوشی رو هم تغییر دادن یه گوشی ساده خریدم که فقط شبا باهاش کار می‌کردم و کسی متوجه نمی‌شد. هرچند تا صبح بهم استرس وارد می‌شد ولی چون محدودم می‌کردن دوس داشتم کار خودمو بکنم" (نوجوان، ۱۷ ساله). ۳) تغییر قوانین از سرناتوانی (بعد از شکست) "قبلاً همیشه تحت کنترل مامان بابام بودم ولی بعد که فهمیدن نمی‌تونن همیشه بالای سرم باشن و کنترل کنن آزادی م بیشتر شد" (نوجوان، ۱۶ ساله). ۴) ابهام در مورد لزوم وجود قوانین سخت گیرانه "مثلاً همین گوشی چرا من نباید داشته باشم ولی دوستام همه دارن؟ دلیل این محدودیتشونوزیاد نمی‌دونم چون اگر خطرناک باشه باید برای دوستام باشه" (نوجوان، ۱۷ ساله).

### ۳. انعطاف‌پذیری بیش از حد مرزهای خانوادگی

انعطاف‌پذیری بیش از حد مرزهای خانوادگی، سومین مضمون اصلی است که از تجارب مادر- نوجوان استخراج شده و زیرمضمون‌های زیر را در بر گرفته است: (۱) عدم ثبات قوانین "اگه کاری کنم که مامانم واقعا دوس نداشته باشه وقتی یه کم بگذره و ببینه من اون کارو دوس دارم دعوا نمیکنه، حتی اگه اولش خیلی عصبانی بشه" (نوجوان، ۱۶ساله). (۲) عدم حمایت عاطفی "مامان بابای بعضی دوستانم خیلی بیشتر هواسونو دارن، حواسون به کاراشون هست ولی مامان من بیشتر درگیر کارای خودشه تا اینکه نگران من باشه" (نوجوان، ۱۷ساله). (۳) عدم توافق مادر در مورد حدود مرزها "حتی اگه مامانم یه چیزی بهم می‌گفت و محدود می‌کرد، بابام فوراً دعواش می‌کرد و طرف منو می‌گرفت" (نوجوان، ۱۷ساله). (۴) اعتماد افراطی "از همون اول نوجوونیش بهش سخت نمی‌گرفتم چون همیشه بهش اعتماد داشتم و دلم می‌خواست همه چی رو تجربه کنه" (مادر، فوق لیسانس، ۳۷ساله). (۵) استقلال خواهی بیش از حد "البته خب لازم نیس که آدم همه چیزو کامل تعریف کنه چون من خودم می‌فهمم چی کار باید کنم و بچه نیستم" (نوجوان، ۱۶ساله). (۶) ابهام در مورد انتظارات مادران / سردرگمی "من مامانمو وقعاً دوس دارم و دوس دارم خوشحالش کنم ولی نمی‌دونم دقیقاً باید چیکار کنم چون همیشه می‌گه هر کاری کنی من همیشه دوست دارم" (نوجوان، ۱۶ساله). (۷) سعی در کشف انتظارات مادران "به ذهنم اومده بود اگه یه شب خونه نرم یا دیرتر برم خونه شاید یه خرده نگرانم بشن" (نوجوان، ۱۷ساله).

از مجموع زیرمضمون‌های بیان شده در ذیل مضمون اصلی انعطاف‌پذیری بیش از حد که در بالا ذکر شد، یک مضمون از ادراکات مادر (اعتماد افراطی) و ۶ مضمون دیگر از ادراکات نوجوانان استخراج شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش کیفی حاضر با استفاده از رویکرد کیفی از نوع پدیدارگراییانه به مقایسه‌ی

ادراک مادر- نوجوان در مورد لزوم انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی و تجزیه و تحلیل و گزارش نتایج با استفاده از روش روایتی پرداخت. تحلیل و کدگذاری یافته‌ها منجر به پیدایش ۳ مضمون اصلی، شامل انعطاف‌پذیری، عدم انعطاف‌پذیری و انعطاف‌پذیری بیش از حد مرزهای خانوادگی شد. به طور کلی وجود مرزهای روشن و انعطاف‌پذیر در خانواده از این جهت حائز اهمیت است که جایگاه و محدودی رفتاری اعضا را مشخص می‌کند و منجر به حراست از زیرمنظومه‌ها و متمایزسازی آن‌ها از یکدیگر می‌شود و این مسأله نیز به نوبه‌ی خود از بروز مشکلات مرزی جلوگیری می‌کند و نیاز به استقلال و در عین حال برخورداری از حمایت را که یکی از نیازهای مهم دوره‌ی نوجوانی است برآورده می‌کند (احمدی خ و خدادادی سنگده، ۱۳۹۴) که تأمین آن نیز نقش ضروری‌ای در حراست از امنیت پایه‌ی خانواده ایفا می‌کند.

تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان نشان داد، مادر در خانواده‌های با مرزهای انعطاف‌پذیر، از راهبردهای خاصی جهت تغییر مرزها متناسب با نیازهای تحولی فرزند نوجوانشان استفاده می‌کنند و در مقابل نوجوانان نیز در این خانواده‌ها از راهبردهای پاسخ مخصوص به خود استفاده می‌کنند که در خانواده‌های با مرزهای غیر منعطف شاهد آن نیستیم. براساس تجارب مشارکت‌کنندگان، این راهبردهای مادرانه در قالب زیر مضمون‌های انعطاف‌پذیری به صورت زیرتوصیف می‌شوند: در خانواده‌های با مرزهای منعطف تصمیم‌گیری‌ها به صورت مشترک صورت می‌پذیرد، استقلال به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای نوجوان در عمل مورد توجه قرار می‌گیرد و متناسب با رشد، تغییراتی در حدود آن داده می‌شود و نوجوان اجازه تجربه کردن شکست و مواجه شدن با تبعات آن را دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های نارگاسیو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) و توماس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) نیز همسواست. در این خانواده‌ها، مادر همسو با تلاش نوجوان برای جلب اعتماد، مرزهای خانوادگی را منعطف تر می‌کنند و بدون توجه به تغییرات، بر

1. Nargasio, J. E., et al.

2. Tomas, D. S., et al.



روش‌های قبلی خود اصرار نمی‌ورزند. این یافته نیز با یافته‌های احمدی خ و خدادادی سنگده (۱۳۹۴) در مورد نقش انعطاف‌پذیری مرزها و نظارت متعادل به عنوان دو عامل خانوادگی مهم در شکل‌گیری و تداوم خانوادگی سالم همسواست. همچنین زارع و سامانی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود مؤلفه‌های گرمی، تصمیم‌گیری مشترک، عدم اعلان قدرت و تعادل بین نظارت و کنترل را به عنوان ویژگی‌های خانوادگی با سبک فرزندپروری مقتدر و مرزهای منعطف ذکر کرده‌اند.

از جمله دیگر زیرمضمون‌هایی که در این خانواده‌ها ذکر شده است آن است که مادر، مرزهای خانوادگی را با رشد اجتماعی و شناختی / هیجانی نوجوان همسو می‌کنند و به منظور پیشگیری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر، متناسب با دوره‌ی بلوغ، سطح رشدی و موقعیت‌های حساس زندگی، محدودیت‌های معقولی را در نظر می‌گیرند که نوجوان نیز از دلایل این محدودیت‌ها به صورت روشن مطلع است. آنچه در تحلیل تجارب نوجوانان مورد مطالعه تازگی داشت نحوه‌ی عکس‌العمل آن‌ها نسبت به محدودیت‌های وضع شده از جانب مادر بود. به این صورت که نوجوانان پرورش یافته در خانواده‌های منعطف، پذیرش محدودیت‌های معقول متناسب با هنجارهای دینی، اجتماعی و رشد شناختی خود را مطرح کردند و از اعمال محدودیت‌ها ابراز رضایت کردند چراکه آنها را همسو با هنجارها و عقلانی برداشت کرده بودند. اما در خانواده‌های با مرزهای خشک و انعطاف‌ناپذیر، نوجوانان از دلایل اعمال محدودیت آگاه نبوده و محدودیت‌ها را غیر منطقی و مبهم برداشت کرده‌اند. به همین دلیل راهبردهای مورد استفاده به وسیله‌ی آن‌ها برای مقابله با محدودیت‌ها عبارت‌اند از: پذیرش منفعلانه‌ی محدودیت‌ها برای پیشگیری از ایجاد تنش، سعی در دورزدن محدودیت‌ها و پذیرش موقتی قوانین خشک با امید به انحلال آن‌ها که همگی راهبردهایی منفی و آسیب‌زا می‌باشند و متناسب با بافت فرهنگی جامعه انتخاب شده‌اند. به عبارتی، در جوامع جمع‌گرایی مانند ایران، که عموماً رابطه محور و خانواده محور هستند و بر ارزش‌هایی چون احترام بیشتر به بزرگ‌ترها، اطاعت از منبع قدرت و حفظ توازن و هماهنگی خانواده تأکید می‌کنند، اختلاف

میان مادر و فرزندان کمتر پذیرفته شده است و اگر این اختلاف نظرها رخ دهد، بیش از فرهنگ‌هایی که در آن‌ها خودمختاری جوانان تایید شده است، مشکل‌زا خواهد بود. همچنین به دلیل تأثیر بیش از حد عوامل خانوادگی بر دختران، این مسائل برای آنان تنش قابل توجه‌تری را به همراه دارد. تجارب گزارش شده توسط این نوجوانان، نشان دهنده تمایل آن‌ها برای فاصله گرفتن از خانواده، ترک خانواده، تظاهر به بیماری برای دریافت حمایت عاطفی و بروز رفتارهای پرخطر بود که با نتایج تحقیقات، قویدل حیدری (۱۳۹۴)، لی و همکاران (۲۰۱۴)، گلدنر و همکاران (۲۰۱۶) و ریوکس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) همسومی باشد. همچنین جا (۲۰۱۶) نیز معتقد است خانواده‌های با مرزهای سخت و انعطاف ناپذیر، عموماً پاسخ‌های انحراف ستیز و ریسک‌بروز نشانه‌های بیماری را در نوجوان استقلال طلب افزایش می‌دهد که با نتایج تحقیق حاضر همسواست

نکته‌ی جالب توجهی که در این تحقیق به دست آمد، آن است که در خانواده‌های با مرزهای بیش از حد منعطف نیز ادراک نوجوان نشان دهنده‌ی عدم دریافت حمایت عاطفی، سردرگمی و ابهام در مورد انتظارات مادران بوده است و نوجوان از طریق رفتارهای پرخطر و یا تظاهر به بیماری، سعی در روشن کردن انتظارات مادران و دریافت حمایت عاطفی از جانب آن‌ها داشته است. این یافته‌ی تازه نشان دهنده‌ی آن است که در بافت خانواده محور جامعه‌ی ما، برخلاف بافت بسیاری از جوامع دیگر که در آن تأکید بر فردیت‌گرایی است، آزاد گذاشتن بیش از حد نوجوان و مرزبندی‌های سهل‌گیرانه می‌تواند کارکردی منفی داشته باشد و علاوه بر ایجاد نارضایتی در نوجوانان، از طریق کاهش احساس امنیت و تعلق خاطر، به بنیان خانواده نیز آسیب برساند. این تبعات، نقطه نظراریک فرورم در مورد وجوه مثبت و منفی آزادی را به ذهن متبادر می‌کند که افزایش آزادی اگرچه می‌تواند منجر به پیشرفت شود، اما این امکان نیز وجود دارد که احساس تعلق خاطر اعضا نسبت به همدیگر را کاهش دهد. این یافته ضرورت رعایت

---

1. et al Rioux, Cl.

تعداد در انعطاف‌پذیری مرزها به ویژه با توجه به بافت فرهنگی جامعه‌ی ما را می‌رساند که در پژوهش‌های مربوط به خانواده، کمتر به آن توجه شده است. جمشیدی و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود در قالب مفهوم کارکرد دوگانه‌ی انعطاف‌پذیری به تأیید این یافته پرداخته است. اما در این تحقیق چنین گزارش شده است که انعطاف‌پذیری در بافت جوامع سنتی و جمع‌گرا همواره کارکرد ثابتی به دنبال ندارد و کنترل بالا نیز می‌تواند برخلاف جوامع غربی، اکتشاف هویتی و پیامدهای مثبتی به دنبال داشته باشد که در تحقیق حاضر شواهدی مبنی بر تأیید این یافته وجود ندارد.

دومین مضمون محوری پژوهش حاضر، عدم انعطاف‌پذیری مرزهای خانوادگی بود. تحلیل تجارب افراد مورد مطالعه حکایت از این دارد که مادر خانواده‌های با مرزهای انعطاف‌ناپذیر در این تحقیق، معمولاً بدون گفت‌وگو بر سر قوانین، به وضع یک طرفه‌ی آن‌ها می‌پردازند و بدون قائل شدن استقلال برای فرزند و توجه به نیازهای تحولی، بر روش‌های قبلی خود اصرار می‌ورزند و سعی در کنترل همه جانبه‌ی نوجوان دارند.

نکته‌ی جالب توجهی که این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، بررسی همزمان ادراکات مادر- نوجوان و مقایسه‌ی میزان تطابق آن‌هاست که بر اساس آن می‌توان تبیینی حلقوی از مشکلات مرزی خانواده در راستای هدف اصلی پژوهش ارائه کرد. این نکته آن است که بر اساس تجارب شرکت‌کنندگان در هیچ یک از انواع خانواده (منعطف، خشک و سهلگیر) مادر و نوجوانان دلایل وضع مرزها را به صورت مشابه ادراک نمی‌کنند. به عنوان مثال مادر خانواده‌های سهل‌گیر، مرزهای خانوادگی را از دیدگاه خود بی‌عیب و موثر ادراک کردند. در حالی که ادراک نوجوانان پرورش یافته در این خانواده‌ها نسبت به مرزبندی‌های موجود، بسیار متفاوت از مادرشان بود؛ این نوجوانان در مقایسه با مادر خود، شرایط را بسیار نامساعدتر و دارای ابهام توصیف کردند و از طریق رفتارهای ناسالم از قبیل تظاهر به بیماری و مصرف سیگار سعی در کشف انتظارات مادران و دریافت حمایت عاطفی داشتند و از بی‌ثباتی قوانین ناراضی بودند. همچنین در خانواده‌های با مرزهای خشک نیز ادراک مادر و نوجوان از دلایل وضع مرزها مشابه نبود

و این امر آن‌ها را با انواع مشکلات مواجه نمود. اما شاهد آن هستیم که در خانواده‌های منقطع، علی‌رغم عدم تشابه ادراکات مادر-نوجوان، مشکلات دو گروه دیگر در این دسته وجود ندارد. در تبیین این مسأله باید گفت به نظر می‌رسد براساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان، دو عامل اساسی از بروز مشکلات در این گروه پیشگیری کرده‌اند که عبارتند از: (۱) گفت‌وگو بر سر قوانین و (۲) توافق مادر در مورد شیوه‌های وضع مرزها. احمدی‌خ و خدادادی‌سنگده (۱۳۹۴) نیز در تحقیق خود این دو عامل را به عنوان عوامل خانوادگی موثر در ایجاد و تداوم خانوادگی سالم ذکر کرده‌اند که در تحقیق حاضر می‌توان از این عوامل، به عنوان "عوامل شفاف‌ساز" ادراکات دو گروه نام برد. از این مسأله می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه تفاوت ادراکات در دو گروه مادر و نوجوان، امری اجتناب‌ناپذیر است، اما می‌تواند همانند چاقویی دو لبه عمل کرده و تأثیراتی متفاوت از خود بجای گذارد. به نظر می‌رسد در خانواده‌های با مرزهای خشک و غیر منقطع، ادراکات سخت‌گیرانه‌ی مادر، واکنش‌های تدافعی نوجوانان را نیز تشدید کرده و قطع چرخه‌ی گفت‌وگو- به عنوان یک عامل شفاف‌ساز- تحمل وضعیت موجود را برای نوجوانی که با انواع مسایل و آشفتگی‌های متناسب با دوره‌ی رشدی خود نيز دست به گریبان است، بسیار دشوار می‌کند. براساس گفته‌های نوجوانان، این وضعیت می‌تواند واکنش‌های رفتاری مختلفی از قبیل فرار از منزل، مصرف مواد مخدر و گسلس عاطفی از خانواده رابه دنبال داشته باشد که خطر آن، نه تنها نوجوان، بلکه امنیت پایه‌ی خانواده را نیز به شدت تهدید می‌کند. در سوی دیگر این طیف، انعطاف‌پذیری بیش از حد نیز تبعاتی مشابه با عدم انعطاف‌پذیری ایجاد کرده است. اما به نظر می‌رسد در گروه دارای مرزهای انعطاف‌پذیر، اثر بالقوه مخرب تفاوت ادراکات مادر-نوجوان، از طریق واسطه‌گری گفت‌وگو بر سر قوانین و تشابه ادراکات مادر در مورد وضع قوانین، تا حدودی خنثی شده و به صورت مثبت، توانسته است احساسی از درک شدن و امنیت برای نوجوان ایجاد کند که به عنوان سپری حفاظتی، در برابر آسیب‌های رشدی این مرحله‌ی حساس،

از فرد محافظت کرده و از این طریق، حفظ امنیت پایه‌ی خانواده را نیز تضمین می‌کند. باتوجه به نتایج پژوهش حاضر که با دیدی مقایسه‌ای ادراکات مادر- نوجوان در مورد مرزهای خانوادگی را مورد بررسی قرار داد این نکته مشخص می‌شود که با توجه به بافت فرهنگی جامعه‌ی در حال گذار کشور ایران، هیچ یک از دو حالت عدم انعطاف‌پذیری و یا انعطاف‌پذیری بیش از حد نمی‌تواند منجر به ارضای نیازهای نوجوانان و حفاظت از امنیت پایه‌ی خانواده شود. باتوجه به یافته‌های فوق، قراردادن نتایج پژوهش حاضر در اختیار گروه مادر- نوجوان، می‌تواند در آگاهی بخشی به آن‌ها، توجه بیشتر به عوامل شفاف ساز و اتخاذ شیوه‌های کارآمدتر، مفید واقع شود.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. نمونه‌ی مورد مطالعه از نوجوان و مادر آن‌ها در شهر تهران انتخاب شدند و بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به تفاوت‌های بافتی و فرهنگی موجود، تحقیقات مشابهی در سایر شهرها نیز صورت گیرد. با این حال اطلاعات حاصل از این پژوهش می‌تواند دستمایه‌ی پژوهش‌های بیشتر در این حوزه قرار بگیرد تا افق‌های دیگری از این پدیده آشکار شود.

## منابع

- احمدی، خ؛ خدادادی سنگده، ج. (۱۳۹۴). بررسی وضعیت نظارت والدین بر نوجوانان در خانواده‌های نظامی. فصلنامه علوم مراقبتی نظامی، ۲، ۳، ۱۲۷-۱۳۳.
- بهادری، ا؛ خیر، م و سامانی، س. (۱۳۹۰). بررسی رابطه انعطاف‌پذیری خانواده با شیوه‌های مقابله با استرس در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. دومین همایش ملی روان‌شناسی- روان‌شناسی خانواده.
- بیرامی، م؛ علائی، پ. (۱۳۹۲). قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده. فصلنامه روانشناسی مدرسه، ۲، ۳، ۳۸-۵۶.
- پرویزی، س؛ احمدی، ف. (۱۳۸۵). گروه همسالان و سلامت نوجوان: یک پژوهش کیفی. فصلنامه فیض، ۴، ۵۱-۴۶، ۱۰.
- جمشیدی، ب؛ رزمی، م؛ حقیقت، ش و سامانی، س. (۱۳۸۷). رابطه‌ی انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با ابعاد کمال‌گرایی. روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۵۳، ۱۹۹-۲۰۵.
- حسینی، م؛ رضایی، آ و محمدی روزبهانی، ن. (۱۳۹۰). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و ویژگی‌های

- شخصیتی با عزت نفس مشروط. دومین همایش ملی روانشناسی - روانشناسی خانواده
- حسینی، م؛ عرب مقدم، ن؛ سروش، م و جمشیدی، ب. (۱۳۹۰). مطالعه نیازهای جوانان و نوجوانان و رابطه آن با انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده (مطالعه موردی: جوانان و نوجوانان شهر شیراز). *فصلنامه خانواده، ۱*، ۲، ۸۹-۷۲.
  - دالایی، م؛ عاشوری، ا و حبیبی، م. (۱۳۹۴). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و سبک‌های فرزندپروری با استرس فرزند پروری در مادران منطقه یک شهر تهران. *روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۲*، ۲۱، ۱۶۷-۱۷۴.
  - زارع و سامانی (۱۳۸۷)، زارع، م؛ سامانی، س. (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳*، ۴، ۱۷-۳۶.
  - شاه حسینی، ز؛ سیمبر، م و رمضانخانی، ع. (۱۳۹۱). نیازهای سلامت دختران نوجوان: تبیین نقش و اهمیت خانواده. *فصلنامه پایش، ۳*، ۱۱، ۳۵۱-۳۵۹.
  - قویدل حیدری، م. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سطح رفتار جنسی نوجوانان: گرمی و کنترل خانواده. *دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی، تهران: موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.*
  - گلدینگ، س. (۲۰۱۲). *خانواده درمانی: تاریخچه، نظریه و کاربرد*. (ترجمه‌ی فرشاد بهاری، بدرالسادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی). (۱۳۹۰). تهران: تزکیه.
  - گلدنبرگ، ا؛ گلدنبرگ، ه. (۲۰۱۵). *خانواده درمانی (ویرایش هشتم)*. (ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت). (۱۳۹۴). تهران: رسا.
- Avcı, R., Colakkadioglu, O., Oz, A., & Akbas, T. (2015). Adaptation of the boundary violations scale developed based on structural family theory to the Turkish context: A study of validity and reliability. *Educational Research and Reviews*, 10, 145-152.
  - Ben-Arieh, A., & Shimon, E. (2014). Subjective well-being and perceptions of safety among Jewish and Arab children in Israel. *Children and Youth Services Review*, 44, 100-107.
  - Brassel, A. A., Rosenberg, E., Parent, J., Rough, J. N., Fondacaro, K., & Seehuus, M. Parent's psychological flexibility: Associations with parenting and child psychosocial well-being. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 5, 111-120.
  - Center for injury prevention and control division of violence (2014). *Essentials for childhood (Steps to create safe, stable, Nurturing Relationships and Environments)*.  
From [https://www.cdc.gov/violenceprevention/pdf/essentials\\_for\\_childhood\\_framework](https://www.cdc.gov/violenceprevention/pdf/essentials_for_childhood_framework).
  - Goldner, L., Ayelet, A., & Sachar, S. C. (2016). How do I look? Parent-adolescent psychological boundary dissolution and adolescent's true-self

- behavior as manifested in their. *The Arts in psychotherapy*, 47, 31-40.
- Jha, C. (2016). *The art of conscious parenting*. United States: Hay House.
  - Li, W., Garland, E. L., & Howard, M. O. (2014). Family factors in internet addiction among Chinese youth: A review of English- and Chinese-language studies. *Computers in human Behavior*, 31, 393-411.
  - Li, H. K., Kelly, A. B., Chan, G. C., Toumbourou, J. W., Patton, G. C., & Williams, J. W. (2014). The association of puberty and young adolescent alcohol use: Do parents have a moderating role? *Addictive Behaviors*, 39, 1389-1393.
  - Michou, A., Mouratidis, A., Ersoy, E., & Ugur, H. (2016). Social achievement goals, needs satisfaction, and coping among adolescents. *Personality and Individual Differences*, 99, 260-265.
  - Nargiso, J. E., Becker, S., Wolff, J., Uhl, K., Simon, V., & Spirit, A. (2012). Psychological, peer, and family influences on smoking among an adolescent psychiatric sample. *Journal of Subst Abuse Treat*, 42 (3), 310-8.
  - Olson, D. H. (2000): Circumplex Model of Marital and Family Systems, *Journal of Family Therapy*, 22, 144 – 167.
  - Padilla-Walker, L. M., & Bean, R. A., & Hsieh, A. L. (2011). The role of parenting and personal characteristics on deviant peer association among European American and Latino adolescents. *Children and Youth Services Review*, 33, 2034-2042.
  - Rioux, C., Castellanos-Ryan, N., Parent, S., & Seguin, J. (2016). The interaction between temperament and the family environment in adolescent substance use and externalizing behaviors: Support for diathesis–stress or differential susceptibility? *Developmental Review*, 40, 117-150.
  - Sidze, E. K., & Defo, B. K. (2013). Influences of family structure experiences on the risk of premarital sexual initiation during adolescence in Cameroon. *Advances in Life Course Research*, 18, 270-287.
  - Tomas, D. S., Alvarez Gonzalez, F.J., Liorens, A.N., Vidal-Infer, A., Torrijo Rodrigo, M.J., & Valderrama-Zurian, J.C. (2010). Predictors of driving after alcohol and drug use among adolescents in Valencia (Spain). *Accid Anal Prev*, 42 (6) , 2024-9.
  - Wei zhang, J. Z., & Zhenzhou Bao, C. Y. (2015). Early adolescent Internet game addiction in context: How parents, school, and peers impact youth. *Computers in Human Behavior*, 50, 159-168.